

# ویژه نامه نقد نمایش «قربانگاه»

منتقدان: سید رضا هاشمی زاده. راضیه ذاکری. علیرضا زارعی



کانون منتقدان تئاتر  
استان هرمزگان



## نمایش قربانگاه

نویسنده: عمادالدین رجبلو  
کارگردان: رضا آزاد دریایی

آغاز فعالیت نمایشی از سال ۱۳۷۳  
بازیگر، دنسر، کوریوگراف، نویسنده، کارگردان  
دارای مدرک فوق دیپلم بازیگری حرفه ای  
کارشناسی تئاتر کاربردی  
حضور در جشنواره های متعدد منطقه ای و ملی

گروه تئاتر تارس-بندرعباس

زمان: ۵۲ دقیقه

بازیگران: آرش زاهدی، محمدرضا احمدزاده،  
عباس دهقان، محسن دهقانی، محمد امینی،  
امیررضا عبدالزاده، اردوان محمدی پور،  
عباس مرادی

دستیار و برنامه ریز: هانیبه نخجیرگان

عکس و تصویر: علی اصغر قاسمی

طراح پروشور و پوستر: مهران پندار

طراح نور: هادی علیشاپور، سجاد طهماسبی

تهیه کننده: کاظمی

طراح لباس و صحنه: رضا آزاد دریایی

منشی صحنه: ستاره درخشان

گریمر: طیبه زندش

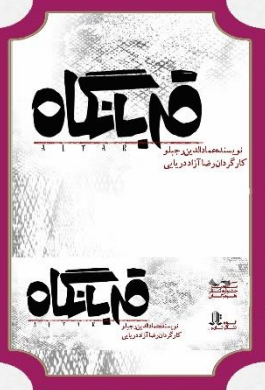
خلاصه نمایش: در یک آسایشگاه نظامی

سرباز ها بعد از گرفتن جشن پتو برای محمد

تا به خود می آیند او نفس نمی کشد، ظاهرا

مرده و سربازان در صدد رهایی خود از این

مختصه هستند.



کانون منتقدان تئاتر  
استان هرمزگان  
۱۳۹۴

دوشنبه ۱۷ آبان  
ساعت ۲۰ شب





قربانگاه نوشته عماد الدین رجب‌لو و کارگردانی رضا آزاد دریایی،

پایان بخش اولین روز اجراهای سی و سومین جشنواره تئاتر هرمزگان بود. نمایشی که داستانی را سرراست و بدون حواشی زائد از یک شب در سربازخانه ای در دل کویر تعریف می کرد. نمایش قصه محور بود. چند سرباز که در آسایشگاهی هستند بعد از شوخی مرسوم جشن پتو بایک دوست خود مواجه با جسد همان سرباز می شوند و از اینجا تنش ها و کنش های حساب شده دراماتیکی و پر هیجان میان آنها شکل می گیرد.

کل نمایش در یک پرده و شب روایت می شود و به خوبی روابط بین شخصیت ها را با خرده روایت های تقویت گر به جلو می برد. همه چیز نمایش سرجایش است و هیچ چیز اضافه و تحمیلی در آن نمی توان یافت.

سربازهای که هریک به نوعی چنان در اتفاق بوقوع پیوسته درگیر و گرفتار می شوند که هیچکدام نمی توانند سهم خود را از رویداد رخ داده انکار کنند.

تماشاگر تا انتهای نمایش به درون قصه ای که چند سرباز آن را می آفرینند کشیده می شود و شخصیت های تراش خورده ای که هریک پای دیگری را در موقعیت پیش آمده به نوعی وسط می کشند و هیچ کس نمی تواند خود را از حادثه پیش آمده مبرا کند. بنابراین علیرغم دعوایها و زدوخوردها و... مجبورند هوای هم را داشته باشند.

روابط بین آنها، کنش ها و واکنش ها آن چنان خوب و درست تنیده شده که هیچ کس مثل هویت سرباز بودنشان دست بالاتری ندارد.

نمایش **قربانگاه** داستان انسانی باورپذیری دارد که قصه اش را بدون لکنت زبان و دست اندازهای مخاطب گیج کن تعریف می کند. از همه چیز (دکور، لباس و ..) استفاده شده تا تماشاگر بیشتر و عمیق تر در ژرفای ماجرا و جسد مانده همقطار این سربازان در آسایشگاه احساس همذات پنداری کند. متنی خوب و اجرای ارزشمند و قابل تقدیر.



عکاس: مرتضی استازاده





آنچه که در نمایش **قربانگاه** رضا آزاد دریایی شاهد هستیم، قرار دادن کاراکترهای نمایش در یک موقعیتی است که ممکن است برای هر انسانی پیش بیاید. این کار یک درام رئالیستی است که در یک پادگان سربازی رخ می‌دهد.

در رخدادهای پیش روی اثر، حقایق پنهان و درونی هر یک از افراد نشان داده می‌شود. نمایش بیانگر این موضوع است که آدم‌ها در موقعیت‌های مختلف ممکن است عکس‌العمل‌های متفاوت و متغییری نسبت به هم داشته باشند که حتی خودشان هم از آن بی‌خبرند.

اثری که رضا آزاد دریایی بر روی صحنه خلق کرده است قصه محور است و مخاطب را سر در گم نمی‌کند. او در یک صحنه، کل نمایش را بدون هیچ اضافه‌گویی به اجرا در می‌آورد.

هر چند که شاید میزانشن‌های طراحی شده برای بازیگران در طول اجرا یکنواخت و خسته کننده به نظر بیاید اما نشان از این دارد که کارگردان همه چیز را کاربردی و بر اساس کن‌شهای مورد نیاز در اثر چیده است. و همین یکی از عواملی است که به یکدست بودن و تداوم اثر افزوده است. صحنه‌های زد و خورد سربازان کمی بیشتر از حد معمول است و به ظاهر کمی اضافه می‌نماید، اما قصه به خوبی جریان دارد و تماشاگر را با افت و خیز با خود به جلو می‌برد.

هر چند نمایش مینمال‌ترین استفاده را در طراحی دکور به کار برده است، آکوسوار صحنه به جا و به اندازه چیدمان شده‌اند و این کمک شایانی است به مخاطب تا به دور از عناصر مزاحم اضافی بصری، تماشاگر رخدادهای دراماتیک نمایش باشد.

نمایش **قربانگاه** به خوبی کارگردانی شده است. شخصیت‌ها توسط نویسنده از شخصیت پردازی درست برخوردار هستند و در راستای رخداد دراماتیک موجود در نمایشنامه چیدمان شده‌اند. بازیگران همواره آگاه‌اند در طول اجرا چگونه مخاطب را با خود همراه سازند و در آخر اینکه اگر کمی از متن و دیالوگ کاسته شود، اجرا بهینه‌تر و خوش ریتم‌تر خواهد شد.





نمایش **قربانگاه** محصولی است که گاهی یا بعضاً خیلی از کارگردان‌های هرمزگانی جسارت اینگونه تجربه کردن را به خود نمی‌دهند. چرا که برآیند این نوع نگاه آزمون و خطایی است که در موقعیت‌های کنش‌مند بین کارگردان اثر و بازیگران کار اولی این اثر شکل می‌گیرد و به زعم من به نتیجه مثمر می‌رسد.

اتفاق با یک حادثه در سربازخانه شکل می‌گیرد. مرگ بهانه‌ای است که نویسنده از آن به خوبی برای جان‌بخشی اثر خود بهره می‌برد. سربازی در آسایشگاه بر اثر عارضه ای فوت کرده، حال دگرگونی و پریشانی موجود در فضا آنچنان پر تنش و نظامند طراحی می‌شود، که گاهی کارگردان اثر (رضا دریایی) از موقعیت شکل گرفته در نمایش توسط بازیگران جا می‌ماند، و این در نوع خود مثبت ارزیابی می‌شود.

نویسنده قصه خود را چنان روان و ساده روایت می‌کند که مخاطب بعضاً در صحنه‌هایی از اثر در میان تعلیق‌های به جا و درست روابط علت و معلولی را کشف می‌کند. هر چند بازیگران اولین حضور صحنه‌ای خود را تجربه می‌کنند اما می‌توان گفت که به درک درستی از شخصیت، فضا و موقعیت‌های نمایشی نمایش مذکور دست یافته‌اند.

باید گفت جهان نمایش **قربانگاه** درون مایه‌ای از انسان‌های روزمره را دارد که گاهی از لغزش و تنش هستند و این بی‌ثباتی و فرومایه‌گی ریشه در ترسی دارد که از بدو آفرینش همراه بشر بوده و هست.

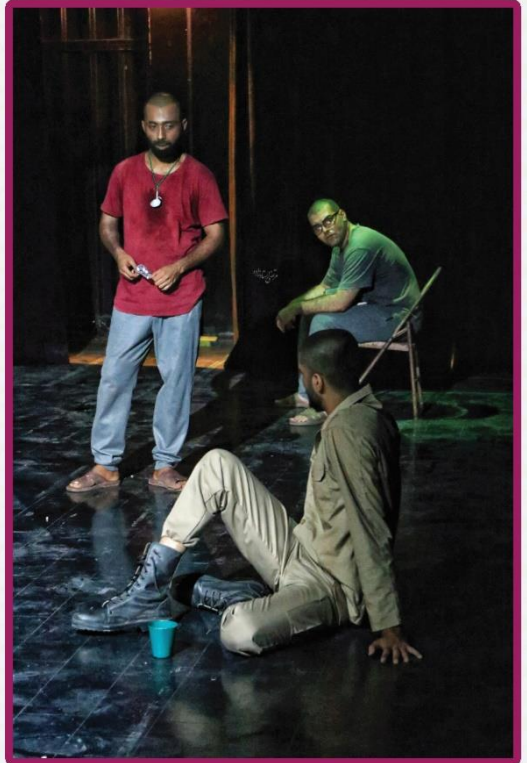
نکته‌ای که حائز اهمیت است اینکه؛ رضا دریایی حاصل دومین اثر کارگاه‌های آموزشی خود را به جشنواره تئاتر استان ارائه می‌دهد که این نگرش هم خوب است و هم بد! اثری که حاصل آزمایش، تحقیق، تجربه و تخیل است. اما این میان انتظار می‌رود چنین بازیگرانی برای محک و ارزیابی بهتر و بیشتر خود، ابتدا با سالیق مختلفی از مخاطبان روبرو شوند تا شاید احساس‌ها، رفتارها و ایده‌های بکرتری در جایگاه یک بازیگر از آنها کشف شود.





عکاس: مرتضی استادزاده





عکاس: مرتضی استاذزاده

